

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

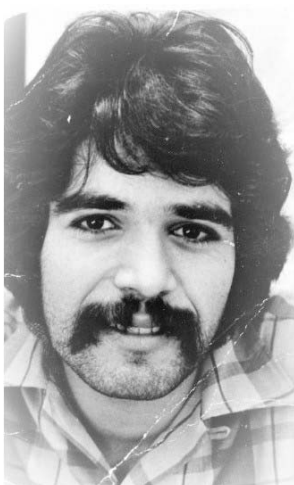
Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۹ جنوری ۲۰۲۰

در باره زندگی رفیق شهید محمد کاسه چی



چریک فدائی خلق رفیق محمد کاسه چی در سال ۱۳۲۹ در قزوین چشم به جهان گشود. پس از طی تحصیلات دبیرستانی و گرفتن دیپلم در تهران وارد دانشگاه شد و در رشته علوم مدیریت، ادامه تحصیل داد. رفیق محمد از جمله انقلابیونی بود که از خصوصیات اخلاقی بالائی برخوردارند. برای نمونه صداقت و روراستی و مهربانی اش زبانزد اطرافیان بود. به همین دلیل کسی نبود که او را دیده باشد، با وی به صحبت پرداخته باشد و تحت تأثیر شخصیت او، مهربانی و صداقت او قرار نگرفته باشد.

در آن سال ها با توجه به روابط گسترده رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با دولت سرکوبگر اسرائیل، رژیم شاه به اسرائیلی ها امکان داده بود که در قزوین مبادرت به ایجاد یک پروژه کشت و صنعت بزرگ نمایند. آن هم در شرایطی که با توجه به جنایات دولت اسرائیل علیه خلق فلسطین و همبستگی مردم ما با این خلق ستمدیده، این امر باعث مخالفت مردم شده بود. در چنین شرایطی رفیق محمد، همراه با یکی از رفقایش به نام اصغر پشامی (که بعد ها در صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق به شهادت رسید) توانست فعالیت های تبلیغاتی وسیعی را علیه حضور اسرائیلی ها در قزوین سازمان دهد. رفیق در دوره ای در دانشگاه تحصیل می کرد که به دنبال رستاخیز سیاهکل فضای سیاسی دانشگاه ها کاملاً سیاسی گشته و جو رادیکال و مبارزاتی بر آن حاکم شده بود، به گونه ای که دانشجویان مبارز، به دنبال اعدام انقلابی تیمسار فرسیو، رئیس اداره دادرسی ارتش شاه، توسط چریکهای فدائی خلق، در تجمعات خود فریاد می زدند "فرسیو مرگت مبارک!". در چنین فضائی با توجه به آگاهی سیاسی رفیق، او خیلی زود به هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران برخاست. آنچه در این امر او را یاری نمود دوستی و سمپاتی اش با دو تن از انقلابیونی بود که بعداً به عنوان اعضای برجسته چریکهای فدائی خلق در آمدند. رفیق کاسه چی، در آغاز، در ارتباط دوستی و سمپاتی با رفیق مهدی فضیلت کلام قرار داشت، اما این رفیق انقلابی که یادش ماناست، در ارتباط با چریکهای فدائی خلق در یک درگیری مسلحانه در ۹ مرداد [اسد] سال ۵۱ در تهران به شهادت رسید و لذا ارتباط هواداری رفیق کاسه چی نیز با سازمان قطع شد.

مدتی بعد، رفیق کاسه چی، با رفیق حبیب برادران خسرو شاهی که یکی از چریکهای فدائی خلق بود در تماس قرار گرفت. پس از مدتی رفیق حبیب برادران خسرو شاهی، در ارتباط با چریکهای فدائی خلق، توسط ساواک دستگیر شد. در چنین شرایطی، رفیق کاسه چی که بتازگی با دختر عمومی رفیق حبیب برادران خسرو شاهی ازدواج کرده بود، اجباراً به زندگی مخفی روی آورد و در پایگاه های سازمان چریکهای فدائی خلق فعالیت انقلابی خود را ادامه داد. در همین حین، سازمان مطلع شد که رفیق شجاع و مؤمن به راه مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک، یعنی رفیق حبیب برادران خسروشاهی، در چنگال درّخیمان رژیم شاه دست به یک عمل فدائی زد و در حالی که دست به فریب ساواک زده و همراه آنان ظاهراً برای اجرای قرار قرار به خیابان آمده بود، با انداختن خود از پلی در تهران به زیر کامیونی، دست به خودکشی زد (۱۱ خرداد سال ۵۳). یادش گرامی.

فعالیت رفیق کاسه چی در درون سازمان چریکهای فدائی خلق در شرایطی بود که سازمان به فرستادن رفقاء به کارخانه ها می پرداخت. از این رو این رفیق نیز به کار کارگری پرداخت و به عنوان کارگر مکانیک مشغول کار شد. همانطور که می دانیم در سال ۱۳۵۵، ضربات سنگینی از طرف ساواک به سازمان وارد شد و رفقای گرانقدری شهید شدند و ارتباطات زیادی گسسته شد. متأسفانه ما از شیوه شهادت و زمان دقیق شهادت رفیق محمد کاسه چی و همچنین یار همیشگی اش رفیق اصغر پشامی اطلاع دقیقی در دست نداریم. اما این امر مشخص است که ارتباطاتی که این رفیق با برخی از آشنایانش داشت که هنوز هم زنده اند- از سال ۵۵ کاملاً قطع شد. از این رو سال شهادت این رفیق را سال ۱۳۵۵ قید می کنیم.

سال ۵۵، سال خونینی بود که ده ها چریک فدائی در آن به خون غلتیدند. اما باید تأکید کرد که شهادت این چریکهای فدائی خلق به طور عمده در جریان درگیری های قهرمانانه مسلحانه با نیروهای مسلح رژیم شاه بود که باعث شد این فرزندان راستین کارگران و توده های تحت ستم، با زندگی کوتاه و مرگ های افسانه ای خویش تأثیرات انقلابی بسزائی در جامعه برجای بگذارند. شاه جنایتکار فکر می کرد در نبرد با چریک ها پیروز شده است. اما درست دو سال بعد مجبور شد در تلویزیون تحت کنترل خود در مقابل مردم، ظاهر شده و با عجز و لایه از شنیدن صدای انقلاب مردم سخن بگوید. سرانجام، پیشروی جنبش انقلابی توده ها که مبارزه مسلحانه چریکهای فدائی خلق تأثیر غیر قابل انکاری در آن داشت کار را به جایی رساند که یکی از تیمسار هایش با شفافیت مطرح کرد که هوپزر، شاه را چون "موش مرده ای" از ایران به بیرون پرتاب نمود، در حالی که چریکهای فدائی خلق باقی ماندند و در اولین میتینگ علنی آنها هزاران نفر فریاد درود بر فدائی سر دادند، فریادی که نشان می داد خون رفیق کاسه چی ها و ده ها چریک دیگر بر زمین نمانده و همچون بذر ماندگار شده است.

یاد رفیق محمد کاسه چی گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۷۲، پانزدهم دی ماه [جدی] ۱۳۹۸